

# اطلاعات شخصی مقتول

دایی یکسری خصوصیات اخلاقی داشت که شخصیت امروزش را ساخته

## اسطوره اخمو

کسری امام صفاری

شاید بشود در رفتار دایی علت برکناری را پیدا کرد؛ چون حتی در میان دوستداران دایی هم کمتر کسی از خصوصیات اخلاقی اش دفاع می کند؛ یعنی همه دوستدارانش سعی می کنند توجیهی برای رفتار دایی پیدا کنند. راهش هم این است که نشان دهند دایی تا به حال چه کارهایی برای ایران انجام داده است. البته هر وقت دایی دلایل کارهایش را توضیح بدهد، می شود منطق را در حرفهایش پیدا کرد اما نکته مهم اینجاست که او به این راحتی ها هم توضیح نمی دهد. به همین دلیل است که زمان جمع زدن خصوصیات اخلاقی، معمولاً خوبی ها را برایش رد می کنند. این قسمت از پرونده فقط بررسی می شود و برای اینکه دلیل و انگیزه قتل پیدا شود.

### انتقاد نا پذیر

گوش شنوا واقعا ندارد؛ به خصوص از وقتی که مربی شد کم پیش آمد از نظر دیگران استفاده کند. شاید در تعارضات گفته باشد: «نظرات فلانی با ارزش است» اما در عمل حرف هیچ کسی جز خودش را قبول ندارد. حال کرده بازیکنی را دعوت کرده؛ تصمیم خودش بوده، نه اینکه حرف بزرگتری را گوش داده باشد. شاید دلیلش این است که خودش را بزرگ ترین می داند. دایی است دیگر!

### تند مزاج

دایی عادت دارد حمله کند؛ شاید فقط در بعضی کنفرانس های مطبوعاتی این کار را کرده باشد یا وقتی خبرنگار محتاطی می رود کنار زمین دایی را آرام پیدا می کند. اما همین آقای تندخو با تمام جملات و لحن تهاجمی اش یک منطق دارد: «در کاری که به شمار بطنی ندارد، دخالت نکنید.» اما خوب، حتی همین منطق هم وقتی ارزش پر سیده می شود «چرا فلان بازیکن را دعوت نکردید» جواب می دهد: «دفعه بعدی لیست را با شما هماهنگ می کنم.» این یعنی دشمن تراشی.

### مقتصد

از فعالیت های اقتصادی جانمی ماند. از اولین روزهایی که از فوتبال در آمد داشت چنین اخلاقی دارد. از یک مغازه در منیر به بگیرد تا الان که بزرگ ترین تولیدی لباس های ورزشی را در ایران دارد و چند مغازه در پاساژهای پر زرق و برق شهر. وارد کردن لوازم ورزشی، ساخت و ساز و خیلی چیزهای دیگر هم کارهای جانبی اوست.

### با پشتکار

بعد از جاه طلبی اش، اگر پشتکار نداشت عمرا نمی شد دایی. این را دیگر خودش همیشه می گوید: «من نصف کریمی هم استعداد نداشتم اما با پشتکار به اینجا رسیدم.» مخالفان دایی هم همیشه می گویند اگر کریمی پشتکار دایی را داشت یا دایی استعداد کریمی را، می شد یک اسطوره فرا وطنی اما این طوری نیست دیگر. دایی یکی اش را دارد؛ همان که بسیار مهم تر است. موفقیت هاییشان را قیاس کنید، متوجه می شوید استعداد مهم تر است یا پشتکار.

### شکست نا پذیر

اینها ساق هایی هستند که برخلاف دیگر ستاره های فوتبال به ساق های طلایی معروف نشده اند اما خوب، دقیقا همان هایی اند که بارها زمین خورده اند، ایستاده اند، گل زده اند، دویده اند و به هوا پریده اند؛ همان ساق هایی که دایی دوباره روبشان می ایستد.

### هوشمند

آدم با هوشی است. این را به زعم بسیاری از کارشناسان فوتبال، در زمین مسابقه ثابت کرده اما بیرون زمین هم خیلی از ذکاوتش استفاده می کند. دایی معروف است به اینکه در میان فوتبالیست های پیش از دیگران از سرش استفاده کرده. واقعیت این است که نه فقط در گلزنی که در همه امور این کار را می کند. یادتان هست که در جواب فردوسی پور که گفته بود «خود شما هفته پیش گفتید هر کس لابی قوی تری داشته باشد می شود مربی تیم ملی» چه گفت؟

### غیرت

سال ۱۹۹۳ بود که دروازه بان بحرین بدجوری قفسه سینه علی دایی را با یبین آورد و با لگد طحالش را پاره کرد. جالب اینکه دایی وقتی بعد از مدت ها برگشت، باز هم از جان مایه می گذاشت؛ مثل گلی که در بازی رده بندی جام ملت های آسیا ۱۹۹۶ به کویت زد. یادتان هست چه جور روی سر و گردنش پشتک زد؟ چند بار دیگر پیش آمد که با سر بانداژ شده برای تیم ملی بازی کرد. مدتی هم با طحال آسیب دیده برای پرسپولیس می دوید. یک نمونه دیگرش خوشحالی معروفش است بعد از گلی که در آن شب تلخ به بحرین زد. آن قدر تلاش می کرد به جام جهانی ۲۰۰۲ برسیم که بعد از گل کنترلش را از دست داده بود.

### اخمو

آخرین باری را که استاد خندیده شاید خودش هم به یاد نداشته باشد اما دایی عادت ندارد روی خوش به کسی نشان دهد.

### جاه طلب

جاه طلبی دایی گاهی رنگ غرور و تکبر هم پیدا می کند. این آدم اصلا سیر نمی شود. این بی شک مهم ترین عامل «دایی» شدن اوست. هر چه به دست آورد کم است. در زمین می شود بهترین گلزن ملی جهان، بیرون از زمین به مقامات بلند پایه فوتبال نزدیک می شود، در زندگی شخصی به اوج مکننت می رسد و باز هم کمش است؛ می خواهد در جام جهانی روی نیمکت مربیگری بنشیند. این بار که نشد.

### یک دنده

آنها که دوستش ندارند او را لجباز ترین آدم دنیا می دانند. نمونه اش همین درگیری با مایلی کهن و دادگاه و دادگاه کشی. دایی حقش را می خواست و حالا که یکی پیدا شده از حرف های تند مایلی کهن نگذرد، به لجبازی دعوت می شود. یادعوت نکردن کریمی دایی خودش می گوید دعوتش می کند و وقتی نمی کند می گویند عجب لجبازی است. مگر آدم با خودش هم لج می کند؟ دایی آن زمان هم که از تیم ملی کنار نمی کشید با همه لج می کرد. اما وقتی کوتاه آمد و خدا حافظی کرد، در اعتراض به گل نزدن مهاجمان ایران در استاد بوم تشویق می شد.





تولیدی ورزشی NHL که در شرق آسیا کمپانی شناخته شده‌ای است، به فدراسیون فوتبال پیشنهاد می‌دهد که اگر تیم ملی لباس‌های این تولیدی را در مسابقات مقدماتی جام جهانی ببوشد، ۱۶ میلیون دلار به حساب فدراسیون فوتبال می‌ریزد؛ پولی که می‌تواند تمام مشکلات مالی فدراسیون را حل کند اما از آنجا که در یکی از بندهای قرارداد دایبی شرط شده که تیم ملی حتماً باید پیراهن تولیدی دایبی را ببوشد این پیشنهاد رد می‌شود

## بایگانی شنیده‌ها

شایعات زیاد و تایید نشده‌ای حول و حوش دایبی وجود دارد که خواندنش می‌تواند به حل پرونده کمک کند

### فقط یک سوء تفاهم؟

این ۱۳ شایعه داغی است که در دوران پیش از آغاز سرمربیگری و البته در دوران یک ساله سرمربیگری او در تیم ملی ضربات زیادی به دایبی زد؛ شایعاتی که هیچ‌وقت تایید نشدند ولی به قدر کافی برای مردم قابل فهم بودند. البته دایبی هم با مقادیر قابل توجهی شکایت از نشریاتی که این شایعات را منتشر کردند، بیچاره نشست. این اخبار را که تنها آنها را از منابع خبری شفاهی فوتبال ایران شنیده‌ایم، یکجا با هم می‌خوانید.

**قطبی سرمربی تیم ملی بود** او را به ساختن سازمان تربیت بدنی بردند تا با علی آبادی دیدار کند. علی آبادی نبود. به سمت دفتر

کیومرث هاشمی رفتند. هاشمی هم کفاشیان و قطبی را یک ساعتی پشت در دفتر علی آبادی نگه داشت تا دست‌آخر هر دو شوشان دست از پا درازتر از ساختمان خارج شوند. گویا یکی از مداحان مشهور و که ارتباط خوبی هم با دارد یک روز پیش از آن اتفاق به سازمان تربیت بدنی می‌رود و با سرمربیگری قطبی برای تیم ملی مخالفت می‌کند. توجیه آقای مداح هم ساده بوده؛ کسی که پاسپورت آمریکایی دارد نباید سرمربی تیم ملی شود. مسوولان وارد عمل می‌شوند.

**در روزهایی که از نظر رسانه‌ها قطبی، مایلی کهن و بیژن ذوالفقار نسب گزینه‌های جدی سرمربیگری تیم ملی بودند، در حاشیه یکی از سفرهای استانی، مهرداد بذریاش - مدیر ۲۸ ساله گروه خودرو سازی سایپا - در فرودگاه در ملاقاتی با رئیس جمهور احمدی نژاد حرف‌هایی می‌زند. هنوز کسی از محتوای آن حرف‌ها خبر ندارد اما گویا مسیر داستان عوض می‌شود.**

**همزمان با اینکه افشین قطبی در استادبوم حافظیه با هواداران پرسپولیس خداحافظی می‌کرد، میهمانان ویژه‌ای به دفتر حسن ضیا آذری، مدیر مجموعه ورزشی آزادی رفته بودند. رئیس، معاونش و دایبی جایی امن‌تر از دفتر ضیا آذری پیدا کرده بودند. پس از بازی پرسپولیس - مقاومت سپاسی پیامک کلیدی مخابره می‌شود: «دایبی سرمربی تیم ملی شد». گویا پیامکی شبیه یکی از این پیامک‌ها هم به تلفن همراه کفاشیان ارسال می‌شود تا او هم در جریان انتخاب سرمربی تیم ملی باشد و برای امضای قرارداد حاضر شود. مسوولان از علی دایبی حمایت می‌کنند؛ دیگر کفاشیان اهمیتی ندارد.**

**نکونام اصلا ارتباط خوبی با دایبی نداشت؛ به قدری که در زمان اقامت تیم ملی در فریدریش هافن برای مسابقات جام جهانی، سرمیز ناهار و شام، جوک‌هایی که مردم درباره دایبی ساخته**

حامی مالی تیم ملی شود. اما بعد از مراسم، کفاشیان با ادبیاتی تند پرده بر می‌دارد از اینکه در قرارداد با سایپا هیچ مبلغی وجود ندارد و هیچ تعهدی از سوی سایپا - هر چند پرداخت‌هایی وجود داشته - در قبال فدراسیون فوتبال وجود ندارد و تنها فدراسیون وظیفه دارد آرم تجاری سایپا را روی در و دیوار کمپ تیم‌های ملی بگذارد. مسوولان همه‌جوره از دایبی حمایت می‌کنند.

**دایبی یک روز دست یک آقای رامی‌گیر دو می‌برد در اتاق کمیته بازاریابی فدراسیون فوتبال و پیشنهاد می‌دهد که این آقای اسپانسر فدراسیون فوتبال کنید. در خشان - رئیس کمیته بازاریابی - این پیشنهاد غیر منطقی را به کفاشیان ارجاع می‌دهد و او را متوجه می‌کند که پیدا کردن اسپانسر، در شان او نیست. اما او از نحوه انتخابش برداشت کرده که نفوذش در فدراسیون فوتبال از کفاشیان هم بیشتر است؛ شاید چون مسوولان تربیت بدنی همه‌جواز او حمایت می‌کنند.**

**تصور کردند که دایبی به عنوان سرمربی تیم ملی ممکن است وارد فضای انتخابات شود. گفت‌وگوی تند یکی از مسوولان ورزش علیه دایبی که یک روز پس از خبر رسمی کاندیداتوری یک نامزد انتخاباتی منتشر شد و البته چند روز بعد تکذیب شد، بیانگر این تصور بود. گویا ارتباط خوب دایبی با محمد دادکان که رئیس شاخه ورزشی بنیاد باران است این تصور را جدی‌تر هم کرده بود. دایبی از کسی حمایت نمی‌کرد آن نامزد هم کنار کشید اما با وجود این، دیگر هیچ کسی از دایبی دفاع نمی‌کند.**

**دهان به دهان می‌چرخد که اگر دایبی در بازی با کره جنوبی ببازد، از سرمربیگری تیم ملی کنار گذاشته می‌شود. از وزارت ارشاد نامه‌ای به روزنامه‌ها ارسال می‌شود که حمایت از تیم ملی وظیفه است و نباید انتقاد کرد. خطر حس شده؛ خطر حذف از مسابقات جام جهانی؛ آن هم در سالی که انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. گویا دیگر حمایت مسوولان به هیچ‌وجه از او معنی ندارد. دایبی پس از باخت خانگی به عربستان بر کنار می‌شود.**

**پیش از این هم یک بار، پس از پایان جام جهانی ۲۰۰۶ یکی دو ماهی غیبت زده بود. الان هم نوبت یک غیبت دیگر شده؛ هر چند که گویا پس از بازی ایران - کره جنوبی باید در انتظار گفت‌وگویی تند از او باشیم. در این مدت هم «هیچی نشده» خبر سرمربیگری او در پرسپولیس برای فصل آینده شنیده می‌شود.**

جملاقی که در ۱۴ ماه گذشته در مورد دایبی گفته شده

### وای به حال دایبی

۱- در واکنش به عدم دعوت از علی کریمی برای بازی با عربستان:

خداداد عزیز: دایبی همه چیز را خراب کرد، شرمند کریمی شدم.

۲- در واکنش به اظهار نظر هایش در کنفرانس مطبوعاتی پس از بازی با عربستان:

علی کریمی: فکر می‌کرد بهترین بازیکن تاریخ تیم ملی است.

۳- در واکنش به عدم دعوت به تیم ملی:

جواد کاظمیان: در بازی با اردن به علی کریمی پاس دادم اما دایبی من را به باد فحش و ناسزا گرفت.

میلعلی: اگر روی پای برانکو تکل می‌زدم بهتر بود.

۴- در واکنش به انتخاب‌های علی دایبی:

امیر قلعه‌نویی: این آقا دیکتاتور در تیم ملی راه انداخته که این طوری بازیکن انتخاب می‌کند.

۵- مدیر پیام پس از فوت علی زاد علی که در تعطیلات لیگ به خاطر تیم ملی عازم تبریز شد اما در یک سانحه رانندگی جان باخت:

علی صلاحی: وای به حال علی دایبی!

۶- در واکنش به شعار تماشاگران در حمایت از کریمی در اردوی تیم ملی:

احمدی نژاد: این مشکل را حل کنید.

۷- بعد از رد دعوت به تیم ملی:

کریمی: با درخواست رئیس جمهور بخشیده شدم اما کسی از من برای تیم ملی دعوت نکرد.

۸- در واکنش به درخواست پیشکسوتان برای بخشش توسط دایبی:

محمد مایلی کهن: نمی‌خواهم من را عفو کند، دوست دارم به زندان بیندازد.

۹- در توصیف بازی‌های تدارکاتی تیم ملی:

فیروز کریمی: از این به بعد به این بازی‌های گوییم بازی‌های تدارکاتی به سبک علی دایبی.

۱۰- از دل یک مصاحبه بلند:

مایلی کهن: آقا قلدره، ۱/۵ میلیارد پول نیست.

۱۱- در توجیه کندن مارک تولیدی دایبی در کلاس مربیگری:

محمد مایلی کهن: جنس لباس‌های این آقا نامرغوب است، تبلیغش رانمی‌کنم.

۱۲- در جلسه هیات دولت، ۲۴ ساعت بعد از بازی مقابل عربستان:

رئیس جمهور: سازمان تربیت بدنی باید در عرصه تربیت مربی تلاش کند که زمینه اصلی را برای بروز استعدادها فراهم می‌کند.

